

قطع انگشتان دست با چرخ گوشت

بی‌احتیاطی یک آشپز هنگام خرد کردن سبزی، به قیمت از دست دادن ۲ انگشتش تمام شد

محمد جواد ابوعطا
m.abouata@shahraranews.ir

درد چهره اش را فاشرده بودو و رنگش پریده بود. سرخی خونش در لابه لای سبزی ها به قهوه‌ای می‌زد. گاهی فریادی از اعماق وجودش بالا می‌آمدوزیر سقف بلند آشپز خانه بی صدا می‌شد، هیچ کدام از همکارانش جرئت نداشتند به او نزدیک شوند و خودش هم اجازه نمی‌داد کسی به او دست بزند. آب می‌خواست، اما چون احتمال می‌دادند خون ریزی را بیشتر کند، به او آب نمی‌دادند. ثانیه‌ها به کندی می‌گذشت و انگار هر لحظه دردتش افزون‌تر می‌شد. هیچ کس نمی‌دانست چه باید بکند، تنها اقدام مثبتشان تماس با سامانه فوریت‌های آتش‌نشانی مشهد بود. همه منتظر بودند که امدادگران به محل برسند. ساعت حدود ۳۰: ۴۰ بود که موضوع گیر کردن دست فردی درون چرخ گوشت به آتش‌نشانی گزارش شد. محل وقوع حادثه در یک مجموعه صنعتی بود که با توجه به نزدیکی ایستگاه چهل و نهم با هنر به آنجا، امدادگران این ایستگاه مأمور رسیدگی به حادثه شدند.

● حادثه برای آشپز با تجربه

صدای آژیر خودروهای آتش‌نشانی زودتر از امدادگران به محل وقوع حادثه رسید و پیش از رسیدن آتش‌نشانان درهای مجموعه برای ورودشان باز شده بود.

آتش‌نشانان به سمت آشپز خانه این مجموعه صنعتی هدایت شدند، همان جایی که یکی از آشپزهای باتجربه این مجموعه در آشپز خانه دچار حادثه شده بود.

امدادگران با تجهیزات لازم به منظور برش و بیرون کشیدن دست فرد از درون چرخ گوشت، به آشپز خانه رسیدند اما بر خلاف تصورشان که فردی هنگام چرخ کردن گوشت دچار حادثه شده است، متوجه شدند که آشپزی باتجربه در اقدامی تعجب‌برانگیز از یک چرخ گوشت بزرگ صنعتی برای خرد کردن سبزی استفاده کرده است.

این فرد در اقدامی سهل‌انگانه بدون استفاده از صفحه محافظ و گلوبی دستگاه، برای ریختن سبزی‌ها نیز از گوشت کوب ایمن استفاده نکرده که همین موضوع موجب گیر

کردن دستش درون چرخ گوشت شده بود.

● احتمال قطع شدن ۲ انگشت

رئیس منطقه سوم آتش‌نشانی مشهد درباره عملیات فرد حادثه دیده گفت: سنگینی دستگاه موجب شد تا آتش‌نشانان اقدام به برش بدنه چرخ گوشت صنعتی کنند و بعد دست این فرد را بیرون بکشند. حسن نجمی ادامه داد: متأسفانه ۲ انگشت این فرد که مردی ۴۲ ساله بود در لابه لای تیغه‌های تیز دستگاه له شده بود و معاینات اولیه نشان می‌داد که او ۲ انگشتش را از دست داده است. با این حال مصدوم تحویل نیروهای اورژانس ۱۱۵ مستقر در محل شد و برای درمان راهی بیمارستان شد.

● افزایش حوادث با گوشت‌کوب‌های برقی

وی با بیان اینکه امسال چند حادثه مشابه دیگر نیز (در گیر کردن دست درون



چرخ گوشت) داشته‌ایم، بیان کرد: یکی از جدیدترین حوادثی که رخ می‌دهد، حوادث مرتبط با گوشت‌کوب‌های برقی است. نجمی ادامه داد: بی‌احتیاطی در استفاده خانگی از گوشت‌کوب‌های برقی معمولا موجب مصدومیت می‌شود و حادثه زمانی رخ می‌دهد که فرد برای تمیز کردن گوشت‌کوب بدون کشیدن دوشاخه آن از پریش برقی، انگشتانش را درون کاسه کوچک سر گوشت‌کوب فرو می‌کند و از آنجایی که دکمه روشن شدن این دستگاه با یک فشار کوچک نیز شروع به چرخاندن تیغه تیز آن می‌کند، این تیغه‌ها درون انگشت فرد فرو می‌روند.

● استفاده از چرخ‌گوشت مقابل کودکان ممنوع

رئیس منطقه سوم آتش‌نشانی مشهد در ادامه با اشاره به حوادث زیادی که در حوزه



● هنگام وقوع حادثه چه کنیم؟

این مقام مسئول آتش‌نشانی مشهد درباره اینکه هنگام حادثه چه باید کرد، گفت: اولین اقدام کشیدن دوشاخه از برق است، چون چرخ گوشت‌ها دنده عقب نیز دارند کنجکاو ی آن‌ها را برانگیزد و از آنجا که دست آن‌ها کوچک است و به راحتی درون گلولی چرخ گوشت فرو می‌رود، معمولا حوادث دل‌خراشی را رقم

می‌زند.

وی ادامه داد: سیم‌های چرخ گوشت برای این کوتاه هستند که در جای بلندی قرار بگیرند تا از دسترس کودکان دور باشند، والدین نیز توجه کنند که حتما از صفحه محافظ برای ریختن گوشت استفاده کنند و از فرو کردن دست درون گلوبی دستگاه خودداری کنند و این کار را با گوشت‌کوب پلاستیکی خود دستگاه انجام دهند.

زورگیری خشن با چاقوی ۳۰ سانتی

فرار سارقان دهه هفتادی با اقدام ضربتی پلیس بی‌نتیجه ماند

مشخص نبود از چه رو با دیدن پلیس پا به فرار گذاشته‌اند برای پاره‌ای از توضیحات به کلانتری سجاد منتقل شدند. پس از انتقال ۲ جوان موتورسوار و بررسی سوابق آن‌ها، مشخص شد که این افراد همان زورگیران خشنی هستند که از چندی پیش منطقه امامت مشهد را با انجام اقدامات مجرمانه خود ناامن کرده‌اند. تحقیقات پلیسی از ۲ متهم این پرونده ادامه داشت تا اینکه ۴ مال‌باخته به کلانتری ۲۱ مشهد مراجعه و ضمن شناسایی متهمان تأکید کردند که این افراد با یک چاقوی بزرگ به آن‌ها حمله کرده و گوشی تلفن همراهشان را سرتقت کرده‌اند.

موتورسوار که در حال پرسه‌زنی در خیابان بودند نظر یکی از تیم‌های گشتی کلانتری را به خود جلب کردند و همین ظن سرآغاز عملیاتی پلیسی شد.

متهمان به محض مشاهده مأموران فرار را برقرار کردند اما از جایی که مجریان قانون پیش‌تر دست این افراد را خوانده بودند عرصه را بر آن‌ها تنگ کردند و در اقدامی ضربتی ۲ جوان موتورسوار را دستگیر کردند.

مأموران در همان بازرسی اولیه یک قبضه چاقوی سی‌سانتی را که یکی از متهمان داخل دستکش خود مخفی کرده بود، کشف کردند. ۲ متهم به دام افتاده که هنوز

یکی از شکات که زنی جوان است در اظهاراتش گفت که در کنار خیابان ایستاده بوده که متهمان به سمت او آمده و یکی از آن‌ها به رویش چاقو کشیده و با تهدید گوشی تلفن همراهش را سرتقت کرده است. مال‌باخته ظاهرا در برابر متهمان مقاومت از خود نشان داده که این سارق خشن با چاقو ضربه‌ای به دست زن جوان می‌زند و بعد از به چنگ آوردن گوشی تلفن همراه او به همراه همدستش از محل فرار می‌کنند. به گفته فرمانده انتظامی شهر مشهد متهمان به دام افتاده ۲ جوان بیست‌ودو و بیست‌وسه ساله و اهل و ساکن یکی از روستاهای اطراف مشهد هستند.

سرهنگ عباس صارمی ساداتی ادامه داد: این افراد ابتدا حاضر به همکاری با مأموران دایره تجسس کلانتری سجاد نبودند اما پس از رویارویی با مستندات پرونده و نیز شناسایی از سوی ۴ شاکی سرانجام به زورگیری‌های خشن خود اعتراف کردند.

این مقام ارشد انتظامی مشهد بیان کرد: در این عملیات یک دستگاه موتورسیکلت قرمز رنگ توقیف و با دستور قضایی روانه پارکینگ شد.

سرهنگ صارمی گفت: متهمان برای اینکه از سوی طعمه‌های خود شناسایی نشوند سر و صورتشان را با شال می‌پوشاندند و با تهدید چاقو نقشه شوم خود را عملی می‌کردند. گر چه متهمان به دام افتاده به جرمشان اعتراف کرده‌اند اما هنوز تعداد زورگیری‌هایشان مشخص نیست. این پرونده با دستور قضایی و تا حصول نتیجه در اختیار پلیس آگاهی مرکز استان خراسان رضوی قرار گرفت.

خانواده شهدی با هزینه چهل پدر ۴ زندانی را آزاد کردند

با احسان یک خانواده شهدی ۴ زندانی جرائم مالی غیرعمد از زندان آزاد شدند و به کانون خانواده بازگشتند.به گزارش خبرنگار ما، رئیس ستاد دیده خراسان رضوی در تشریح جزئیات این پرونده گفت: این خانواده شهدی با صرف ۵۰۰ میلیون ریال هزینه مراسم چهل‌پدرشان «زنده‌یاد عباسعلی بابایی» زمینه آزادی این تعداد از زندانیان جرائم مالی غیرعمد را فراهم کردند. غفاریان بیان کرد: در یک ماه گذشته نیز ۲ خانواده نیکوکار دیگر با اهدای هزینه مجالس ترحیم اموات خود در آزادی تعدادی از زندانیان جرائم مالی غیرعمد شریک شده‌اند.

۲۰سال حبس برای متهم پرونده «هلدینگ آفتاب»

دبیر هیئت نظارت، ارزیابی و تضمین کیفیت وزارت علوم، تحقیقات و فناوری در خراسان رضوی گفت: پرونده شبکه گسترده کلاهبرداری و جعل مدارک دانشگاهی معروف به «هلدینگ آفتاب» در شعبه نخست دادگاه ویژه رسیدگی به جرائم اخلاکلگران و مفسدان اقتصادی این استان بررسی و رأی نهایی آن صادر شد. دکتر حسین جعفری‌ثانی در گفت‌وگو با ایرنا افزود: براساس این حکم متهم ردیف اول پرونده به ۲۰ سال حبس، تحمل ۷۴ ضربه شلاق و محرومیت دائم از مشاغل دولتی محکوم شد.وی ادامه داد: حکم دادگاه برای ۱۵ متهم دیگر پرونده شبکه گسترده کلاهبرداری و جعل مدارک دانشگاهی نیز شامل مجازات‌های قاطع همراه با محکومیت سنگین است. به گفته این مقام مسئول، این پرونده پس از حدود دو سال پیگیری از سوی این هیئت و طی روند بازپرسی در مراجع مربوط، به صورت علنی با حضور اصحاب رسانه و مطبوعات، نمایندگان تمامی وزارتخانه‌ها و دستگاه‌های مرتبط منجر به صدور رأی شد.وی افزود: علاوه بر شکایت سازمان‌ها و نهادهای دولتی، دادخواهی شاکیان خصوصی مبنی بر جعل لوگو، برند و مهر مؤسسات آن‌ها از سوی متهم پرونده، نیز مطرح بود. عنوان‌های انتهای ۱۵ متهم پرونده شبکه گسترده کلاهبرداری و جعل مدارک دانشگاهی معروف به «هلدینگ آفتاب» در کیفرخواست صادره این پرونده ۴۰ جلدی شامل «مشارکت در کلاهبرداری شبکه‌ای، اخلا در نظام اقتصادی از طریق فرار مالیاتی، پول‌شویی، مشارکت در جعل مدارک تحصیلی دانشگاه‌های خارجی و مؤسسات آموزش عالی، جعل مهر وزارت علوم، تحقیقات و فناوری و مهر تأیید مدارک این وزارتخانه، نشر اکذیب رایانه‌ای، جعل مهر و علامت شرکت‌های متعلق به شاکیان خصوصی و مشارکت در جعل رایانه‌ای ۹۹ پایگاه اینترنتی» بوده، است.

واگذاری آساک دو چرخ به دستگاه قضایی

حسین ولیدخت، دادستان عمومی و انقلاب قوچان به ایرنا گفت: مالک اصلی کارخانه آساک دوچرخ چندی قبل به دلیل تخلفات متعدد مالی و وجود شبهه‌های فراوان مبنی بر چگونگی مالکیت آساک دوچرخ یازده‌شد. پس از اعلام شکایت به دیوان محاسبات کشور و بررسی این دیوان که منجر به اثبات جرم از سوی این متهم شد، مالک این مجتمع کارخانه را به دستگاه قضایی واگذار کرد.

اوردوز

قسمت اول

ایلیا موسایی

آن چند ثانیه برای عبدالقاهر چنان کش آمدند که تمام‌زندگی اش را لحظه‌به‌لحظه مرور کرد. انگار تبدیل شد به حشره‌ای که در زمان به عقب برگشته و تک‌تک لحظه‌های عمر ش را نگاه می‌کند. عبدالقاهر توی دست‌شویی عمومی روی کاشی‌های لق‌لوق خم‌شده بوده فقط پاهایی که دور و برش بودند را می‌دید. مرگش فقط چند ثانیه طول می‌کشید. اول عرق سردی از تمام منافذ پوستش تراوید. بعد وقتی همانجا چُنگ زد، در عرض چند ثانیه بندبند وجودش از هم گسیخت و مرگ این‌طوری سراغش آمد؛ حس می‌کرد مویرگ‌هایش دانه‌دانه با زجر از هم دریده می‌شوند. اما همان چند ثانیه در ذهن خود عبدالقاهر آن قدر کُند شدند که تمام‌زندگی اش را دوباره تجربه کرد. اول پهنه‌های خاکی وسیعی را زیر آفتاب تند ظهر به یاد آورد. مثل باد از آن‌ها می‌گذشت. تنها نبود. رفیقی که همراهش بود با بغاری که می‌وزید شگل گرفت. در ذره جمع شد و تبدیل شده به سلیم. با پوست چرم‌مانند و آفتاب‌سوخته نگاهش می‌کرد. روی گونه‌اش جای یک زخم کوچک بود. برای عبدالقاهر تعریف کرده بود که شکنجه‌اش کرده‌اند. خاک افغانستان را زیر پاهایشان حس می‌کردند و قرار بود در یک آلونک محقر بمانند تا شب شود و بعد بزنند به دل کوه‌ها و آن قدر در سنگلاخ و بوته‌های کوه و دره، بالا و پایین شوند تا برسند به تایباد. سلیم برایش تعریف کرده بود که چطور کار تمام می‌شود و بعد از آن است که پولشان را می‌گیرند. آن هم به دلار. تازه اگر خواست می‌تواند همانجا بماند و جایی برای خودش دست‌وپا کند و کم‌کم توی خراسان جاگیر شود.

توی آلونک چنان زمان تند گذشت که عبدالقاهر فکر کرد فقط فرصت کرده‌اند لباس عوض کنند. تخت‌هایشان را باید شبیه به مردم تایباد می‌کردند تا احتمال گیر افتادن‌شان کمتر باشد. همانجا بود که عبدالقاهر پرسیده بود که بسته‌ها باز نمی‌شوند؟ سلیم رو ت‌ر ش کرده بود که بسته‌ها درست و حسابی آب‌بندی شده‌اند و اگر این‌طور بود خودش تا الان هفتاد کفن پوسانده بود و حالا هم ریق رحمت را توی معده اش جا داده است. گذاشتند نزدیک نیمه‌شب راه بیفتند. هر چه تاریک‌تر باشد. هر چه مرزبان‌ها خواب‌آلودتر باشند. عبدالقاهر دست روی شکمش کشید. زیر انگشتش بر جستگی‌هایشان را حس می‌کرد. گفت که احساس سبیری می‌کند و نگار غذای سنگینی خورده باشد. سلیم خندید.

نیم ساعت بعد، از صخره‌های تاریکی گرفته بالا می‌رفتند. سلیم تروف‌رز بود و مدام جلومی افتاد. عبدالقاهر از تیغه‌های سنگی می‌گرفت و خودش را می‌کشید. حال تهوع داشت. توی تاریکی آن قدر پیش رفتند که سکوت شبانه، هراسناک شد. حس می‌کرد در آن تاریکی تنها مانده‌اند و اگر بمیرند یا اگر چیزی به سراغشان بیاید هیچ‌کسی نیست که کمکشان کند. عبدالقاهر مثل نفس‌بریده‌ه‌انغیر می‌کشید. سلیم که جلو افتاده بود دیک‌باره گفت هیسسس. بعد صدایی آمد که در تاریکی صخره‌ها منعکس می‌شد: «ایییییییست» سلیم گفت: «جاشان را عوض کرده‌اند» هر دو پشت سنگ‌ها پناه گرفتند. طیف نور بزرگی روی سنگ‌ها تابید و از بالای سرشان عبور کرد. بعد دوباره برگشت و یک آن صدای بلند تیر تمام تاریکی کوهسار را شکافت. سلیم گفته بود: «وقتی صدای تیر می‌شنوی یعنی هنوز زنده‌ای. تیری که قرار است تو را بکشد صدا نداره» عبدالقاهر فهمیده بود صدای تیری که او را می‌کشد فقط به گوش دیگران می‌رسد و او قبل از شنیدنش مرده است. کنارش را که نگاه کرد دید سلیم روی زمین می‌غلتد...

ادامه دارد...

روزنامه شهرامید وزندگی

شنبه ۲۰ دی ۱۳۹۹ ۷۰مهرماه۱۳۹۹ شماره ۳۳۸۱

SHAHRARANEWS.IR

۱۱



لوگو

شهرسمتان نویسنده دره نادره	الماس رفیق فرات	ابزار وزنه‌برداری رخسار	آش ساده رودخانه	اینده درچه هوای موتور	بخت آزمایی درس کشیدنی	نامی دخترانه کم‌عرض	واحد غذا عدد دایره روستا	تیراندازی قرض	هدف
سوره ۵۸ اهرم			قائم کلمه احترام مردانه				جگر کشور دوومیدانی	تیر بیکان‌دار خجالتی	
مرکب تندرو ازاحشام	بالکن رمانی‌از والتراسکات		چهارچوب عکس		مردم		اتحاد کلمات بی‌مو	تفنگ ساجمه‌انداز	
ساز شاکی گیاه خورشیدی		فرقه‌ای از مسیحیت				لگدن		نام جدید روستای پرمه	
پایان								صوت نفرت لانه زنبور	
دریاچه حمام تکیه‌دادن						نت منفی بی‌مانند هافک مجویی			
دسته گل پایتخت تزارها						کلمه پرسش منطقه‌ای درکاشان			

نظرات وانتقادهای خود را درخصوص مطالب صفحه

حوادث با مادر میان بگذارید

۰۵۱-۳۷۲۸۸۸۱-۵۱ تلفن

۳۰۰۰۷۲۸۹ پیامک

سردار حمید هدالوند جانشین فرمانده انتظامی تهران

۱۵۰۰ ثن

مواد اولیه

پنروشمیی

احتکار شده

در انباری در

جنوب تهران کشف شد